

# معلم پیامبر است

علیرضا متولی

و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می میرم  
و روزی که زنده برانگیخته می شوم.

سوره‌ی مریم آیه‌ی ۳۳



خداوند متعال به عیسی بن مریم (ع) وحی کرد:  
«ای عیسی! برای مردم در بردباری همچون زمین زیر پای  
آنان باش،  
در سخاوت همچون آب روان  
و در مهرورزی و رحمت همچون خورشید و ماه باش که بر  
نیکوکار و بدکار می تابد»

جمله‌ی معروفی از حضرت امام خمینی (ره) زینت بخش بسیاری از مراکز آموزشی کشور ماست: «معلمی شغل انبیاست.»

بی شک همه‌ی ما این جمله را بارها شنیده و دیده‌ایم. شاید هم درباره‌اش مطالبی خوانده و ساعت‌ها به آن فکر کرده باشیم.

در باطن این جمله‌ی نغز و زیبا دو حقیقت ناب نهفته است؛ یکی اینکه پیامبران معلم بشر بوده‌اند و دوم اینکه کار معلم شبیه کار پیامبران است. پیامبران چه کرده‌اند که به صفت معلمی مفتخر شده‌اند. از قضا، بیشتر آن‌ها به شغل‌های دیگری مثل خیاطی، نجاری، چوپانی، بازرگانی و کشاورزی مشغول بوده‌اند و نان خورش خود را از راه زحمت روی زمین تهیه می کرده‌اند. آن‌ها مثل بقیه‌ی افراد بشر بوده‌اند، با این تفاوت که از نظر درونی به میزانی از پاکی و نجابت و معصومیت رسیده بودند که ظرفیت شنیدن پیام خدا و پذیرش کلام او را به صورت وحی داشته‌اند. به همین دلیل، از ابتدا بسیاری از اطرافیان به آن‌ها گرایش پیدا کرده، کلامشان را با گوش دل شنیده و تا پای جان در راهشان قدم برداشته‌اند. مرارت‌های پیامبران پس از آن آغاز شده است که حاکمان زر و زور و ریا، به دلیل



است که تا هستی برقرار است، اثر تکوینی آن موج‌وار بر تمام کرانه‌های هستی ادامه می‌یابد.

و معلم امروز هم با همین مهربانی‌های کوچک و بزرگ نسبت به دانش‌آموزان، به قدرت این موج می‌افزاید و دل‌های دانش‌آموزان را نرم می‌کند و این‌گونه راه انبیا ادامه می‌یابد.

از سوی دیگر، خداوند کریم، در جای جای قرآن کریم، به رسولان خود هشدار می‌دهد:

«و تو را جز بشارتگر و بیم‌دهنده نفرستادیم» (فرقان/ آیه ۵۶).

و این روش دوم معلمی است. او فقط راه را و چاه را به دانش‌آموزان نشان می‌دهد. راه را روشن و چاه را تاریک می‌نمایاند و هرگز به زور کسی را از چاه به راه نمی‌کشاند، بلکه معلم، هم بشارتگر و هم بیم‌دهنده است.

این یادداشت به مناسبت سالروز میلاد یکی از رسولان مهربانی، یعنی حضرت عیسی مسیح(ع)، نگاشته شده و اگر بیشتر از پیامبر اسلام(ع) یادی شده، از این جهت است که تفاوتی میان عمل رسولان و هدف آنان وجود ندارد و همه‌ی آن‌ها بشریت را به سوی خداوند یکتا فرا خوانده و اخلاق و مهربانی را برای سعادت دنیا و آخرت معرفی کرده‌اند.

**از نبی اکرم (ص)  
نقل شده است:**

**حواریون به عیسی بن  
مریم (ع) عرض کردند:  
«ای روح‌الله با چه کسی  
هم‌نشینی کنیم؟»**

**فرمود: «با کسی بنشینید که  
دیدار او خدا را به یاد شما  
آورد و گفتار او بر آگاهی شما  
ببفزاید و عمل او شما را به  
آخرت علاقه‌مند کند.»**

او محمد امین بوده و این امانت‌داری و درستکاری راه هر گونه شک و شبهه‌ای را بر آن‌ها که با او می‌زیسته‌اند بسته بوده است. تعبیر خداوند در قرآن کریم از این مهربانی و تأثیرش در تبلیغ رسالت این است: «اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران/ آیه ۱۵۹).

این مهربانی و نرم‌خویی صفتی است که پیامبران به وسیله آن توانسته‌اند خیل عظیمی از مردم را گرد خود جمع کنند و این راه، حتی پس از رحلت از این جهان، ادامه داشته است. مهربانی آن‌قدر عظیم

ترس از به فنا رفتن منافع خود، دشمنی با آنان را آغاز کرده‌اند.

در این نوشته به اهداف انبیا و رسولان الهی نمی‌پردازیم، توجه من بیشتر به نقش تعلیم‌و تربیتی ایشان است.

آنچه از پیامبران چهره‌ای معلم‌گونه ساخته است، اخلاق پاک و مردم‌داری و مهربانی است. پیامبران این ویژگی‌ها را از درک وحدانیت خداوند و بندگی او به دست آورده‌اند. اگرچه از هر کدام معجزه یا معجزه‌هایی برای دیرباوران سر زده است، اما آن‌ها که پیام پیامبران را درک کرده و همراه آن‌ها شده‌اند و پا به پای ایشان در مرارت‌ها سهیم بوده‌اند، از راه دیدن این معجزه‌ها به آن‌ها ایمان نیاورده‌اند، بلکه مردم زمانه هر کدام از پیامبران شیفته‌ی مهربانی و کردار پاک و درست ایشان شده‌اند.

در زمانه‌ی ما هم معلمانی هستند که راه انبیا را طی می‌کنند و دانش‌آموزان خود را به شاگردانی شیفته تبدیل می‌کنند. جالب اینکه مقصد این شیفتگی خود معلم نیست، بلکه راه و منش اوست.

پیامبران پیروان خود را با گنج، تخته، کلاس، ترم، و ارزشیابی کیفی و نمره‌ای آموزش نداده‌اند، حتی پیامبر اسلام (ص) به پیامبری امی معروف است. که نزد هیچ‌کس سواد و دانشی نیاموخته. اما